

برخسوار

برخوار نام جلگه وسیع ، حاصلخیز ، آبادان ، کهن و بسیار با شکوه است که در شمال اصفهان واقع شده است و بلوکی را بغایت کهن با خصایص بسیار قدیم نامبردار می کند .

برخوار یک ناحیه بسیار قدیمی است و دارای دیه های کهنی است که نام های قدیم خود را حفظ کرده اند. از جمله این نام های قدیمی که بی شک در مراکز تمدن کهن ایران قرار داشته است ، آذرمناباد - پروانه - ولیگان - سین - کتبونچه - کربکند - کمشچه - لودریچه و غیره است که همه نشان دهنده قدمت این ناحیه می باشد .

در سوابق ایام برخوار از زواید سیلاب های زاینده رود مشروب می شد به این معنا که هر وقت بلوک بالادست (غربی) کشت و کار در اراضی خود را به پایان می رساندند آب را در مادیها برای پایین دست رها می کردند. این رودخانه های موسمی که گاه اصلاً نبود و هر وقت بود سبب می شد که از شمال جلگه برخوار آبهای بسیاری به سوی خاور روان شود و همین آبها هم در زمین نفوذ می کرد و قنات های بزرگ کهن طولانی برخوار را پر آب می ساخت و در دیه های زیر دست هم از این آب برای کشت و کار خودشان استفاده می کردند و پس از اینکه محصول کشت می شد با آب قنات های خود آن را شاداب می ساختند تا وقتی که محصول به بار می آمد و برداشته می شد. همین که نزولات آسمانی کم می شد و این آبهای فصلی و موسمی نیز به پایان رسید و بعلت کندن چاههای عمیق آب قناتها هم یا خشک شد یا آن قدر تحلیل رفت که برای آبادانی محل کافی نبود.

اینک در محله هایی مثل سین و دولت آباد و غیره به حفر چاههای عمیق دست زده اند و اراضی را با آب آنها مشروب کرده اند. به هر روی در قدمت این ناحیه و اهمیت آن هیچ شکی نیست . وجود لهجه و زبان خاص مثل زبانی که در گز و خورزوق وجود دارد نشان این است که در این ناحیه نژاد و طوایف کهن زندگانی می کرده اند و بقایای زیاتشان برای ما مانده است .

واژه شناسی : ظاهراً " خوار " اینجا از همین ریشه " خوورتن " به معنای خوردن است که به حالت فاعلی چون " مردم خوار " ، " گوشت خوار " ، " ماهی خوار " .

برخوار چیزی از برخوردار شدن و بودن در آن است ، وجود مفهوم برخوردار شدن و برخوردار بودن با دیه و زراعت تناسب دارد و احتمالاً کلمه برخوار نیز همین را به ما می خواهد بگوید که این بلوک برخوردار است یعنی برخوردار از امکانات و محصولات بسیار .

شاه عباس برای ورود سفیران کشورهای بزرگ ، تشریفات فوق العاده ای ترتیب می داد از آن جمله در ماه رجب ۱۰۲۸ هجری قمری در روزی که سفیران هندوستان و عثمانی و دولت مسکوی (روسیه) به اصفهان وارد می شدند ، فرمان داد همه مردم اصفهان از مسلمان ، فرنگی ، گیر ، یهود و ارمنی از ایشان استقبال کنند . پی یورو دلاواله جهانگرد اینالیایی می گوید ، " از چند روز پیش شاه به شصت هزار تفنگدار پیاده از مردم اصفهان و اطراف آن شهر و حتی سیراز و یزد و کرمان فرمان داده بود که با بهترین وضع در روز معین حاضر شوند این شصت هزار تن در دو صف از قصر شاهی تا قریه دولت آباد کنار یکدیگر ایستاده بودند و هر یک تفنگی در دست داشتند . "

بلوک برخوار در شمال جی و مغرب کوهپایه واقع شده و راه شوسه اصفهان به تهران از مغرب این بلوک می گذرد قرایی مهم آن عبارتست از : آذرمناباد - امین آباد - باغ میران - پروانه - گز - (این دهکده در عصر ساسانیان آتشکده داشته و آثار تاریخی معروف آن عبارتست از مسجد سلجوقی گز و کاروانسرای شاه عباس) حبیب آباد در میان چاله سیاه (که دارای یک کاروانسرای شاه عباسی است) دستگرد ، دولت آباد که در دوره صفوی اولین منزل در سرراه اصفهان به شمال کشور بوده و بیشتر مهمانان دولتی در این محل استقبال می شده اند ، رحیم آباد ، شاپورآباد ، کتابونچه ، گرگاب ، سادر شاه (که دارای یک کاروانسرای شاه عباسی است) مورچه خورت (جنگ معروف نادر و اشرف افغان در بیابان مورچه خورت اتفاق افتاده) کریکند ، کته بونی ، سین (خربزه آن معروف است و دارای یک مسجد و مناره از دوره سلجوقی مورخ به سال ۵۲۶ هجری است) اصفهان ، لطف اله هنرفر ص ۴۶-۴۷ با اندکی تلخیص

لودریچه:

دیهی است بزرگ در برخوار که در سال ۱۳۴۵ جمعیتی برابر ۴۹۰ نفر داشته است. در فرهنگ جغرافیایی اصفهان نام دیگر لودریچه واقع در برخوار را "لهراسبیه" آورده و جمعیت آن را ۱۲۰ خانوار ذکر کرده است.

واژه شناسی لودریچه: این نام در فرهنگی نیامده است، علت این است که از یک اصطلاح روستایی اصفهانی برداشته شده است. توضیح اینکه لودریچه در تقطیع به اجزای لو + در+ایچ +ه یا ایچه تقطیع می شود "لو" و "لونیج" به معنای لب و دهان استعمال می شود و جزء دوم "در" به معنای همان باب و درب است و "لودر" یک اصطلاح رایج روستایی است، توضیح آنکه در روستاهای اصفهان که عموماً گله های بزرگ گوسفند که متعلق به چند نفر است و هر روستایی کم و بیش در خانه خود ده تا دوازده گوسفند نگاه می دارد و چون صاحب این گوسفندها نمی تواند خود به صحرا برود و گوسفندها را بچراند و یا به کارهای دیگر روستایی بپردازد. بنابراین یک نفر به نام "لودرچران" در هر دیهیی هست که چوپان تمام گوسفندان است و هر روز صبحدم در هر خانه ای گوسفندان آن خانه را تحویل می گیرد و همه را با هم به صحرا می برد و دیرگاه عصر حوالی غروب آنها را به دیه برمی گرداند و از آن هر کس را به او باز می دهد. این شخص "لودرچران" نامیده می شود و "لودر" و یا "لودری" نام آن گوسفند هاست که مال افراد بسیاری است و این اصطلاح فقط در اصفهان رایج است. از این جهت به آن "لودر" می گویند که "در لب در" حیاط خانه روستایی تحویل "لودرچران" می شود. و اما "ایچ" که گاهی هم "ایچه" تلفظ می شود پسوند انصاف و نسبت در مورد آب به معنای روانی آب است. در اینجا لودریچه یعنی قنات منسوب به این گوسفندان لودر است.

گریکنند:

دیپهی است بزرگ در برخوار در شمال اصفهان که در سال ۱۳۵۵، جمعیت آن ۲۰۰۶ نفر بوده است با اینکه حفر چاه در اینجا دشوار است و با وجود قلت آب قنات های برخوار، از جمعیت آن کم نشده است بلوک برخوار یکی از مراکز کهن حضارت و تمدن قدیم ایران بوده است و اختصاصات بزرگی از قبیل زبان و لهجه مخصوص آثار قدیم و نام های کهن دارد. همین طور که به گریکنند بنگری آثار قدمت و کهنگی آن را دیوارهای ستبر، برجها و ساختمانهای خشتی محکم به خصوص کیفیات ساده و ویژه زندگانی مردم که حاکی از نوعی معیشت مبتنی بر اکتفا به نفس است می بینی بعضی صفات قومی از قبیل سختکوشی مردم و استحکام مبانی اخلاقی، همه اینها نشان آن تمدن کهن است که از بین رفته است و اینک رنگی از آن باقی است.

واژه شناسی گریکنند: "گربه" به معنای کلبه است و علت تبدیل "ل" به "ر" همان وجود علامت واحد برای این دو حرف در خط پهلوی است که در برخی امکنه "ر" و در برخی دیگر "ل" رایج شده ولی معنای آن همان کلبه است اما جزء دوم "کند" از ریشه کند و کندن به معنای حفر کردن است و اشاء است به قناتی که حفر کرده اند و کلبه هایی که در سوابق ایام و آغاز بنیاد آن در دور و کنار آن ساخته بودند و گاهی شنیده شد که آن را گریکنندی می خوانند و در این صورت "ی" آخر نسبت است.

در زبان سعیدی "کنت" به معنای شهر است و همان است که در شهرهای سمرقند - تاشکند و غیره در همین معانی در نواحی خراسان بزرگ وجود داشته است و ما می دانیم که در روزگار آبادانی بسیار این نواحی یعنی در دوره هخامنشیان فرامین دولتی به خط سعیدی نوشته می شد و زبان سعیدی عنوان زبان بین المللی داشته است احتمال می رود از نفوذ این خط و این زبان "گریکنند" بهره ای برده باشد و این "کند" از ریشه "کنت" آمده باشد، یعنی شهر کلبه ها که خوب با اصل و کیفیات ساختمان قریه در آن روزگاران قدیم سازگار بوده است.

* دولت: ثروت، مال، سکنت، نعمت

* آب دولت آباد از ۳۳ رشنه قنات تامین می شود. دهخدا ص ۹۹۱۴، جلد ۷

منابع:

- پی یثرو دلاواله، سفرنامه، ترجمه شجاع الدین شفا
- لطف اله هنرفر، اصفهان
- دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۷، دانشگاه تهران
- محمد مهربار، فرهنگ نام ها و آبادیها کهن اصفهان
- مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، امیرکبیر

گردآوری و تنظیم: عبدالرضا پورنگ